

همنوایی: همبسته‌های آن با پنج عامل بزرگ شخصیت، جنس و وضعیت تأهل *

Conformity: Its correlations with NEO big five, gender and marital status

M. M. Shamsaee: ph.D Student of Psychology

E-mail:m.m.shamsaee@gmail.com

Y. Karimi, Ph.D: Allameh Tabatabaee Uni.

M. Jadidi: Ph.D Student of Psychology

H. R. Nikkhah: M.A in Psychology

محمد مهدی شمسایی: دانشجوی دکترای روان‌شناسی

دکتر یوسف کریمی: دانشگاه علامه طباطبائی

محسن جدیدی: دانشجوی دکترای روان‌شناسی

حمید رضا نیکخواه، کارشناس ارشد روان‌شناسی عمومی

Abstract: Aim: This research was designed to determine the relation ship between conformity and personality factors, gender and marital status in students. **Method:** Research method is causal-comparisomal (ex post facto) and correlational. Population of the study consisted of all students in Islamic Azad University of Bandar Gaz which were selected via cluster sampling. The sample consisted of 39 students NEO-FFI and L-72 (2002) Conformity Questionnaire were administered. Special experimental manipulations were used to encourage students to conform. Data were analyzed using descriptive and inferential statistics Spearman and Pearson Correlation coefficient, Independent-samples T-test, and between subjects factorial analysis of variance. **Result:** Findings revealed that there is no significant difference between personality profile of conformists and non-conformists. Also there is no significant relationship between conformity, personality factors and students gender. Findings points that mean scores of L-72 conformity questionnaire is much higher in conformists than non-conformists in both conformity action situations. Another finding is that conformity in single subjects is higher than in married ones. **Discussion:** According to results of the study, normative explanation (i. e. situational effect, position of the individual in conformity condition) is more sufficient in determining conformity than causal explanation (i.e. personality characteristics).

چکیده: هدف پژوهش تعیین میزان همنوایی و رابطه آن با پنج عامل بزرگ شخصیتی، جنس و تأهل دانشجویان است. **روش** پژوهش از نوع علی-مقایسه‌ای و همبستگی است. جامعه آماری دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد بندرگز و نمونه آماری شامل ۳۹ دانشجو است، که با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای انتخاب شدند. برای سنجش متغیرهای پژوهش از آزمون پنج عامل بزرگ شخصیت فرم کوتاه کاستا و مکری (۱۹۸۹ (NEO-FFI)، پرسشنامه همنوایی ل - ۷۲ (۱۳۸۱) و دو موقعیت عملی طراحی شده به‌منظور سنجش همنوایی استفاده شد. داده‌ها با محاسبه میانگین، انحراف استاندارد، ضریب همبستگی پیرسون و اسپیرمن، آزمون t دو گروه مستقل و تحلیل واریانس عاملی بین موردی تحلیل شد. **یافته‌های** پژوهش نشان داد نیمرخ شخصیتی افراد همنو و ناهمنو تفاوت ندارد. همچنین رابطه میزان همنوایی با مقیاس‌های آزمون شخصیت و نیز جنس دانشجویان معنادار نبود. میانگین نمره پرسشنامه همنوایی در افراد همنو بیش از افراد ناهمنو در دو موقعیت عملی و همنوایی افراد مجرد به‌طور معناداری بیش از افراد متأهل بود. **نتیجه‌گیری:** تبیین هنجاری (تأثیر شرایط و وضعیت فرد در موقعیت همنوایی) نسبت به تبیین علی (تأثیر ویژگی‌های شخصیتی) در تعیین میزان همنوایی کفایت بیشتری دارد.

کلید واژه‌ها: همنوایی، پنج عامل بزرگ شخصیت، جنس،

وضعیت تأهل

Key Words: Conformity, NEO Big Five, Gender & Marriage status

دریافت مقاله: ۱۳۸۷/۶/۱۵؛ دریافت نسخه نهایی: ۱۳۸۷/۱۲/۱۱؛ پذیرش مقاله: ۱۳۸۸/۳/۲۸

* برگرفته از طرح پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بندرگز سال ۱۳۸۷

مقدمه

یکی از حوزه‌های مورد مطالعه روان‌شناسی اجتماعی بررسی عوامل تاثیرگذار بر نفوذ اجتماعی است که شامل اطاعت و همنوایی است. روان‌شناسان اجتماعی مسئله نفوذ اجتماعی را از دهه ۱۹۵۰ با مجموعه آزمایش‌های کارل هاوُلند و همکارانش شروع نمودند. نفوذ اجتماعی به تغییرات در نگرش‌ها، باورها، ارزش‌ها و رفتار اشاره دارد که ناشی از تعامل با دیگران است (اشنایدر، گرومن و کوتس^۱، ۲۰۰۵).

یکی از وجوه مهم نفوذ اجتماعی مسئله همنوایی است. همنوایی حوزه نسبتاً وسیعی را در برمی‌گیرد و معمولاً به نوعی تسلیم در برابر نفوذ گروهی اشاره می‌کند (ارونسون، ۱۳۸۵). تمایل شخص به این که اجازه دهد افکار، گرایش‌ها، اعمال و حتی ادراکاتش تحت تأثیر افکار، گرایش‌ها، اعمال و ادراکات مسلط بر جامعه قرار بگیرد، همنوایی با دیگران است. همنوایی دارای سه الگوی مشخص است که عبارتند از:

الف. رفتاری، تمایل به کنار آمدن با گروه و تابع اکثریت شدن؛

ب. نگرشی، تغییر نگرش و باورها تحت فشار دیگران که امکان دارد به تغییر رفتار بیانجامد یا نینجامد؛

ج. یک صفت شخصیتی، وقتی تلویحاً نشان دهنده صفت شخصیتی فرد است که استعداد پذیرش یکی از دو حالت فوق را به وجود آورده باشد (پورافکاری، ۱۳۸۵).

در این میان بررسی نقش بعد روان‌شناختی ما را با دوحیطه شناختی و عاطفی روبرو و ترکیب برخی از اجزای آن‌ها ما را با مفهوم شخصیت آشنا می‌سازد. شخصیت مجموعه‌ای از صفات روان-شناختی و مکانیسم‌های درونی سازمان‌یافته نسبتاً باثبات است که تعاملات فرد و سازگاری با محیط اجتماعی، جسمانی و درون روانی را متاثر می‌سازد (لارسن و باس^۲، ۲۰۰۸).

هافمن^۳ (۲۰۰۷) تعریفی از شخصیت که در نزد اکثر روان‌شناسان قابل قبول است را این گونه بیان می‌نماید: الگوهای نسبتاً ثابت و منحصر به فرد تفکرات، احساسات و اعمال فرد. در ادامه خاطر نشان می‌سازد که شخصیت با منش متفاوت است چرا که منش به اخلاق حرفه‌ای، اصول اخلاقی، ارزش‌ها، صداقت و قابل اطمینان بودن مربوط می‌شود. با توجه به گستردگی مفهوم شخصیت گمانه‌زنی‌های تبیین‌کننده آن نیز متعدد است که محبوبترین طبقه‌بندی آن بر اساس پنج عامل بزرگ شخصیت برون‌گرایی، روان‌رنجورخویی، توافقی بودن، وجدانی بودن و بازبودن نسبت به تجربه پیشنهاد شده است.

1. Schneider, Gruman & Coutts

2. Larsen & Buss

3. Huffman

همنوایی: همبسته‌های آن با پنج عامل بزرگ شخصیت...

همنوایی بر اساس نوع محوریت آن به دو طبقه هیجان‌مدار^۱ و مسئله‌مدار^۲ تقسیم می‌شود. در موقعیت‌های همنوایی فرد دارای تنش و فشار روان‌شناختی است و زمانی این فشار کاهش می‌یابد که فرد به یک موضع باثبات در مقابل گروه دست یابد. در مواجهه با این‌گونه شرایط دو راهکار اصلی وجود دارد. یکی این که خود مسئله مورد توجه قرار گیرد و شخص دست به کار شود تا موقعیت را تغییر دهد یا از آن اجتناب نماید یا این که هیجان در محور توجه قرار گیرد و به جای درگیری مستقیم با مسئله، از راه‌های گوناگون اضطراب خود را بکاهد (ارونسون، ۱۳۸۵).

در مورد ایجاد همنوایی دو تبیین علی و هنجاری مطرح است. براساس تبیین علی، عوامل درونی (ویژگی‌های شخصیتی) و عوامل بیرونی (هنجارهای گروهی، افراد قدرتمند و جز آن) باعث همنوایی می‌شوند. به دلایل متعددی عوامل علی در تبیین این مفهوم نابسند است زیرا به واسطه اجتماعی شدن افراد یاد می‌گیرند با هنجارهای خاصی، همنوایی کنند. افراد می‌توانند در برابر فشارهای همنوایی مقاومت کنند و تغییراتی را در الگوهای رفتارشان شکل دهند. طبق دیدگاه هنجاری بشر همیشه دارای انتخاب بوده و به عمد انتخابی را نسبت با انتخاب دیگر می‌پذیرد. همنوایی رفتاری اجتماعی و جهان شمول است که به میزان مختلفی در همه جوامع وجود دارد (مقدم، ۱۹۹۸).

نظریه‌پردازان مختلفی عنوان داشته‌اند فرهنگ و ملیت بر همنوایی تاثیر داشته و هرگونه تفاوت در همنوایی می‌تواند به نحوه اجتماعی شدن^۴ مربوط شود. پژوهشگران متوجه رابطه جالب اجتماعی شدن و انواع متفاوت نظام‌های اقتصادی- معیشتی شده‌اند. آن‌ها نظام‌های اقتصادی- معیشتی را بر حسب توان جمع‌آوری غذا طبقه‌بندی کردند، به این صورت که ساختارهای اقتصادی شکارگری و ماهی‌گیری در جمع‌آوری غذا ضعیف و ساختارهای اقتصادی دامداری و کشاورزی در جمع‌آوری غذا، قوی طبقه‌بندی نمودند. آن‌هایی که از طریق شکار به گذران زندگی می‌پردازند، اغلب خودشان را در زندگی تنها پنداشته و به خود اتکایی نیاز دارند. جان بری^۵ در سال ۱۹۹۷ در پژوهش خود عنوان نمود افرادی که در جوامع گروه اول اجتماعی شده‌اند باید همنوایی کم‌تری داشته باشند. وی این فرضیه را با بررسی مردم سیرالئون آفریقا و اسکیموهای جزیره بافین^۶ کانادا

-
1. Emotion-focused
 2. Problem-focused
 3. Moghaddam
 4. Socialization
 5. John Berry
 6. Baffin

آزمون نمود. مردم سیرالئون از لحاظ جمع‌آوری غذا توان بالا و اسکیموها توان کمی داشتند. نتایج بررسی وی نشان داد اسکیموها نسبت به سیرالئونی‌ها هم‌نوایی کم‌تری دارند (مقدم، ۱۹۹۸).

در پژوهش آدرمینا و صفری نژاد (۱۳۸۵) هم‌نوایی در اندازه‌گیری فشار خون هنگامی اتفاق افتاد که پزشک فشار خون بیماری را اندازه می‌گرفت و پس از مقایسه آن با نتیجه فشار خون بیمار که توسط سایر همکاران در نمودار مربوط درج شده بود، نظر خود را تغییر می‌داد (بارون و برن^۱، ۲۰۰۶؛ ترجمه کریمی، زیرچاپ). برای بررسی تلقین‌پذیری نمودارهای فشار خون، از ۶۸ کارورز پزشکی خواستند فشار خون ده بیمار را اندازه‌گیری کنند. سه بیمار بدون نمودار، سه بیمار با نمودار واقعی و چهار بیمار با نمودار کاذب بودند. پذیرش اعداد درج شده در نمودارهای کاذب و خطای کل بیش از دو انحراف معیار به ترتیب به عنوان هم‌نوایی آشکار و پنهان تعریف شد که به ترتیب شیوعی معادل ۳۸ و ۲۶/۹ درصد داشتند و نشان داد هم‌نوایی یکی از دلایل اصلی خطای انسانی در برخی موقعیت‌های بالینی مانند اندازه‌گیری فشار خون است. از سوی دیگر هم‌نوایی تحت تاثیر مولفه‌های موقعیتی گروه نیز قرار می‌گیرد. به‌طور مثال با افزایش تعداد همدستان آزمایشگر، احتمال هم‌نوایی آزمودنی‌ها افزایش می‌یابد. وایلد^۲ (به نقل از کریمی، ۱۳۸۷) نشان داد وقتی سه گروه دو نفری از افراد هم‌نوا وجود داشته باشد، اثر آن‌ها در هم‌رنگ کردن فرد بیش از اثر دو گروه سه نفری یا یک گروه شش نفری است هر چند تعداد نفرات در هر سه حالت شش نفر است. یعنی تلقی از رابطه افراد با یکدیگر مهم‌تر از تعداد افراد گروه به تنهایی است. افراد دارای پایگاه اجتماعی متوسط نیز بیشترین میزان هم‌نوایی را نشان می‌دهند که می‌تواند مکانیزمی برای به دست آوردن پایگاه بالاتر یا حفظ پایگاه فعلی باشد. هر فرد مخالف در موقعیت هم‌نوایی، اعم از این که نظر ما را تایید کند یا نکند، فقط اگر با نظر گروه موافق نباشد، کافی است تا فشار هنجاری را کم کرده و هم‌نوایی دیگران را به میزان قابل توجهی کاهش دهد.

نتایج مطالعات حاکی از آن است که بیشترین میزان هم‌نوایی در سنین ۱۲-۱۱ سالگی مشاهده می‌شود که نوجوانان به سرعت با هنجارهای اجتماعی آشنا می‌شوند و از آن تبعیت می‌کنند. برخی پژوهشگران که دامنه سنی بیشتری را بررسی کردند، رابطه بین سن و هم‌نوایی را غیرخطی یافتند. به عبارت دیگر در سنین ۱۵-۶ سالگی میزان تبعیت و هم‌نوایی بیشتری مشاهده می‌شود ولی به علت نیاز به استقلال در سنین بالاتر، نیاز به تایید و پیروی از دیگران کاهش می‌یابد (لطفی، ۱۳۸۱).

1. Baron & Byrne

2. Wilder

همنوایی: همبسته‌های آن با پنج عامل بزرگ شخصیت...

پژوهش‌ها درخصوص مولفه‌ها و ویژگی‌های شخصیتی مرتبط با همنوایی به تعهد و درگیری خود^۱ اشاره نموده‌اند. طبق نظر تیلور، پاپیلا و سیرز^۲، (۲۰۰۰) نگرش‌هایی که با خود پیوند خورده-اند نسبت به تغییر بسیار مقاومند. زمانی با احتمال بالا امکان درگیری خود پیش‌بینی می‌شود که نگرش‌ها به گروه‌های مرجع مهمی نظیر ملیت فرد، مذهب، قومیت و طبقه اجتماعی مربوط باشند. مقاومت در برابر یک پیام تا حد زیادی به نیرومندی تعهد ما نیز بستگی دارد. تعهد زمانی افزایش می‌یابد که بر اساس یک نگرش، دست به عمل بزنیم. علاوه بر درگیری خود، ویژگی‌های شخصیتی اقتدار طلبی، جزم‌اندیشی، اضطراب، منبع کنترل و عزت نفس از جمله متغیرهای با اهمیت در این زمینه‌اند. جزم‌اندیشی اشاره به گرایش کلی نسبت به ناشکیبایی، احترام به مراجع قدرت، استقلال بعضی باورهای سیاسی و عقیدتی دارد. افراد با جزم‌اندیشی پایین گرایش دارند تا با مناظره‌های قوی (نه ضعیف) هم‌نوا شوند. در مقابل افرادی که در جزم‌اندیشی بالا هستند، تنها زمانی با مناظره‌های قوی هم‌نوا می‌شوند که منبع انتقال دهنده پیام غیرمتخصص باشد. زمانی که منبع متخصص باشد افراد با جزم‌اندیشی بالا، در مناظره‌های ضعیف و قوی به طور برابر در مقابل اقتدار متخصص پاسخ می‌دهند و هم‌نوا می‌شوند.

آیزنک^۳ عنوان داشته است روان‌پریشی با جزم‌اندیشی، عدم همنوایی و تکانشوری در ارتباط است و انتظار می‌رود توافقی بودن، جنبه مهمی برای پیش‌بینی همنوایی باشد (تیلور و همکاران، ۲۰۰۰). جزم‌اندیشی و همنوایی هسته‌های اصلی سازه‌های شخصیتی هستند. الگوهای ارائه شده در این زمینه به رابطه معنادار بین شخصیت و نگرش‌های اجتماعی نیز تاکید دارند (داکیت، واگنر، داپلسیز و بیرام^۴، ۲۰۰۲). توافقی بودن با توانایی افزایش روابط خوشایند با دیگران و در کنار دیگران بودن ارتباط دارد. افرادی که در توافقی بودن نمرات بالایی می‌گیرند، همنوایی بیشتری با گروه نشان می‌دهند (نوتل و کرای^۵، ۲۰۰۸). همنوایی و وفاداری با گروه تا حد زیادی تحت تأثیر میل فرد برای مورد پذیرش قرار گرفتن است (لیتزکی، ادلستون و کیدر^۶، ۲۰۰۶).

در پژوهش کوروزاوا^۷ (۲۰۰۰) در شرایط فشار همنوایی بالا، هر چه خودآگاهی کلی افزایش می‌یافت، پاسخ‌های همنوایی هم بیشتر می‌شد. در شرایط فشار و عزت نفس بالا پاسخ‌های همنوایی

1. Ego

2. Taylor, Paplau & Sears

3. Eysenck

4. Duckitt, Wagner, Duplesis & Birum

5. Noel & Carey

6. Litzky, Eddleston & Kidder

7. Kurosawa

کمتر می‌شد و در شرایط فشار پایین، خودآگاهی کلی و عزت نفس اثر معناداری بر هم‌نواپی نداشت. همچنین جنس، خودآگاهی، عزت نفس اجتماعی و ناهم‌نواپی (انتخاب یک گزینه غلط در کوشش‌هایی که دیگران پاسخ صحیح را انتخاب می‌کردند) بر هم‌نواپی تأثیری نداشت. اوشیمی^۱ (۱۹۹۹) در پژوهش خود در مورد ۱۵۶ آزمودنی که خود را در یک موقعیت هم‌نواپی فرض می‌کردند نتایج جالبی به دست آورد. آزمودنی‌های با علاقه پایین به تکلیف و نمرات خودآگاهی بالا، حتی اگر انگیزه اجتناب از طرد در آن‌ها بالا بود. هم‌نواپی کمتری داشتند، آن‌هایی که خودآگاهی بالاتری داشته و انگیزه اجتناب از انزوا در آن‌ها بالا بود، هم‌نواپی بیش‌تری داشتند. آزمودنی‌های با علاقه بالا به تکلیف و خودآگاهی بالا هم‌نواپی کم‌تری نسبت به افراد با خودآگاهی خصوصی پایین نشان دادند.

عامل شخصیتی دیگری که بر هم‌نواپی تأثیر می‌گذارد عدم تحمل ابهام است. آزمودنی‌هایی که در عدم تحمل ابهام نمرات بالایی کسب می‌کنند در مقایسه با کسانی که نمره پایین می‌گیرند، در برابر هم‌نواپی مقاومت کمتری دارند. برخی صاحب‌نظران معتقدند که افراد در موقعیت هم‌نواپی صرفاً در جستجوی راه حلی برای رفع تردید و عدم یقین خود هستند (کریمی، ۱۳۸۷).

در زمینه رابطه بین هم‌نواپی با جنس به عنوان یکی از ابعاد مهم جسمی انسان، پژوهش‌های بین‌فرهنگی نشان می‌دهد که پسران بیش از دختران در رفتارهای تسلط‌گری خودمحو‌رانه درگیر می‌شوند که این نوعی راهبرد رفتاری خدمت به خود است در حالی که دختران تحت سلطه نیروهای اجتماعی‌اند و هم‌نواپی‌شان نوعی راهبرد رفتاری خدمت به گروه است. مشخص شده است زمانی مردان ارزش بیش‌تری برای استقلال قایلند و ناهم‌نواپی‌شان افزایش می‌یابد که فکر کنند تحت نظارت شدید سایر اعضاء گروه هستند (مقدم، ۱۹۹۸).

مردان سعی می‌کنند در برابر جمع استقلال رای و ابراز وجود نشان دهند و زنان نقش ملایم‌تر و مطیع‌تری ایفا می‌کنند. البته میزان آشنایی با موضوع مورد هم‌نواپی نیز در میزان هم‌نواپی زنان تأثیر دارد (کریمی، ۱۳۸۷). پایگاه اجتماعی نیز عامل مهمی در تبیین تفاوت‌های جنسی مربوط به هم‌نواپی است. در حال حاضر تصویر پیچیده‌ای از الگوهای هم‌نواپی و جنس وجود دارد زیرا نتایج پژوهش‌های مربوط به هم‌نواپی تا حدی به خاطر تغییرات هنجارهای رفتار، دچار تغییر شده‌اند. گویا الگوهای هم‌نواپی زنانه-مردانه به تفسیر دیگری نیاز دارد (مقدم، ۱۹۹۸).

با توجه به موارد ذکر شده می‌توان گفت ویژگی‌های شخصیتی و شرایط مختلف و گوناگون اجتماعی در میزان هم‌نواپی افراد تأثیر دارد، اما مشخص نیست که آیا این ویژگی‌های فردی در سطح پنج عامل بزرگ شخصیتی مطرح است یا خیر؟ به عبارتی آیا افراد هم‌نوا و ناهم‌نوا دو نیم‌رخ

همنوایی: همبسته‌های آن با پنج عامل بزرگ شخصیت...

شخصیتی متفاوت دارند؟ همچنین آیا فرایند تغییرات رشدی و اجتماعی در وضعیت همنوایی دو جنس نقش مؤثری دارد یا خیر؟

هدف پژوهش

هدف پژوهش حاضر تعیین میزان همنوایی و رابطه آن با ویژگی‌های شخصیتی، جنس و تأهل دانشجویان است.

فرضیه‌های پژوهش

- ۱- نیمرخ شخصیتی افراد همنوا و ناهمنوا تفاوت دارد.
- ۲- نمره پرسشنامه همنوایی با هریک از مقیاس‌های پنج عامل بزرگ شخصیت رابطه دارد.
- ۳- نمره پرسشنامه همنوایی و جنس تفاوت دارد.
- ۴- نمره پرسشنامه همنوایی و آزمون عملی یک تفاوت دارد.
- ۵- نمره پرسشنامه همنوایی و آزمون عملی دو تفاوت دارد.
- ۶- نمره پرسشنامه همنوایی، آزمون عملی یک و آزمون عملی دو رابطه دارد.
- ۷- نمره پرسشنامه همنوایی در افراد متأهل و مجرد تفاوت دارد.

روش پژوهش

پژوهش حاضر با توجه به موضوع و اهداف آن از نوع علی-مقایسه‌ای و همبستگی و جزء پژوهش‌های مقطعی و کاربردی است.

جامعه آماری

جامعه آماری مورد مطالعه تمامی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد بندرگز در سال تحصیلی ۱۳۸۸-۸۷ است.

نمونه آماری و روش نمونه‌گیری

نمونه این پژوهش ۳۹ نفر دانشجو (۱۱ پسر و ۲۸ دختر)، با میانگین سنی ۲۳/۶ است. این دانشجویان با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای انتخاب شدند، به این نحو که از بین ده رشته تحصیلی، یک رشته و از بین کلاس‌های آن رشته یک کلاس انتخاب گردید. البته به منظور پوشیده ماندن انگیزه پژوهشگر و افزایش واقعیت آزمایشی چند روز قبل از اجرای پژوهش پلاکارد و اعلامیه‌های

مبنی بر برگزاری کارگاه آموزش "مهارت‌های زندگی و روابط بین‌فردی ویژه دانشجویان" در قسمت‌های مختلف دانشگاه برای آگاهی دانشجویان نصب گردید و روز اجرای پژوهش دانشجویان کلاس مذکور به عنوان نمونه پژوهش به کارگاه دعوت شدند.

ابزارهای اندازه‌گیری

الف. آزمون پنج عامل بزرگ شخصیت فرم کوتاه^۱: این آزمون ۶۰ سوالی توسط کاستا و مکری^۲ در سال ۱۹۸۹ بر اساس ویژگی‌های شخصیت بهنجار تدوین شده است. روایی و پایایی این آزمون در پژوهش‌های مختلف به اثبات رسیده است به‌عنوان مثال شکری و همکاران در سال ۱۳۸۵ پایایی این آزمون را برای عوامل روان‌رنجورخوبی^۳، برون‌گرایی^۴، توافقی بودن^۵، بازبودن^۶ و وجدان‌گرایی^۷ به ترتیب ۰/۷۹، ۰/۶۹، ۰/۷۹، ۰/۵۵ و ۰/۸۳ گزارش کرده‌اند که نشان دهنده ثبات مطلوب آماری می‌باشد (حق‌شناس، ۱۳۸۵).

ب. پرسشنامه همنوایی ل - ۷۲^۸: این آزمون می‌تواند میزان همنوایی را در زندگی واقعی مورد سنجش قرار دهد. مواردی که آزمودنی به آن‌ها پاسخ می‌دهد، اختصاص به یک موقعیت مصنوعی ندارد. بلکه باز نمودن رفتارها و باورهایی است که در یک دوره طولانی و در گروه‌های واقعی آن را تجربه کرده است. سنجش همنوایی در این پرسشنامه همانند آزمایشگاه، محدود به موقعیت ویژه‌ای نیست تا در میزان تصمیم‌پذیری یافته‌ها خللی به وجود آید. در پاسخ‌گویی به مواد پرسشنامه، لازم نیست آزمودنی همانند موقعیت‌های آزمایشی، یکی از پاسخ‌های متضاد (پذیرش یا طرد اعمال نفوذ گروه) را بپذیرد، بلکه می‌تواند پاسخ خود را در یک پیوستار چهار گزینه‌ای انتخاب کند. اما به طور کلی می‌توان گفت «همنوایی تابع قانون همه یا هیچ نیست بنابراین نمی‌توان فردی را همنوای کامل یا ناهمنوای کامل دانست. با توجه به این که مقیاس پاسخ‌گویی به پرسشنامه ل - ۷۲ (مخالفم، تقریباً موافقم، موافقم، کاملاً موافقم)، گزینه پاسخ خنثی (نمی‌دانم) ندارد و نیز به پاسخ مخالف نمره صفر تعلق می‌گیرد، بنابراین نمره به دست آمده از این آزمون فقط میزان همنوایی فرد را نشان می‌دهد و برخلاف مقیاس‌های دیگر مثل مقیاس لیکرت نمره‌های آزمودنی‌های مختلف از

^۱. NEO-FFI

^۲. Costa & Mcrae

^۳. Neuroticism

^۴. Extraversion

^۵. Agreeableness

^۶. Openness

^۷. Conscientiousness

^۸. L - 72 Conformity questionnaire

همنوایی: همبسته‌های آن با پنج عامل بزرگ شخصیت...

معانی متفاوتی برخوردار نیست و می‌توان به راحتی آزمودنی‌ها را با یکدیگر مقایسه نمود و شاخص‌های آماری را برای تجزیه و تحلیل داده‌های به دست آمده به کار برد. خط برش این پرسشنامه ۸۷/۴۳، به این معنا که نمره کمتر از آن نشان دهنده عدم همنوایی و نمره‌های بیشتر از آن نشانه همنوایی کامل است. این خط برش این در پرسشنامه با استفاده از خطای معیار اندازه گیری و فاصله اطمینان محاسبه شده است. به این نحو که حد بالای فاصله اطمینان به عنوان نقطه برش در نظر گرفته می‌شود (لطفی، ۱۳۸۱). در پژوهش حاضر نیز اعتبار پرسشنامه به روش آلفای کرونباخ ۰/۹۱ به دست آمد.

برای جمع‌آوری اطلاعات مورد نیاز در خصوص همنوایی، علاوه بر پرسشنامه همنوایی ل-۷۲ دو موقعیت عملی نیز برای سنجش عملکرد آزمودنی‌ها طراحی گردید. در **موقعیت اول** شرکت‌کنندگان می‌بایست روی برگه سفیدی (بدون کادر و عنوان خاصی که سبب راهنمایی نحوه ارائه اطلاعات و معرفی خود باشد) خود را معرفی نمایند.

در **موقعیت دوم** ظرفی محتوی آرد روی میز جهت بررسی نحوه واکنش شرکت‌کنندگان به آن (دست زدن یا دست نزدن به آرد) قرار داشت. این دو موقعیت برای تعیین تفاوت همنوایی در دو موقعیت عادی و غیرعادی صورت گرفت.

ج. موقعیت‌های عملی نحوه اجرای آزمایش بدین ترتیب بود که، ابتدا هشت نفر از دانشجویان ترم هفت روان‌شناسی (اولین گروه فارغ‌التحصیلان روان‌شناسی دانشگاه) به‌عنوان همکار پژوهش انتخاب و آموزش لازم به آنان داده شد. آموزش همدستان بدون بیان موضوع و انگیزه تحقیق بود و تنها به آن‌ها گفته شد که این یک موقعیت آزمایشی است. از همدستان خواسته شد تا در محل کارگاه در ردیف اول و نزدیکترین مکان به میز قرار بگیرند تا ابتدا آنان نحوه عمل در این موقعیت مبهم را به شرکت‌کنندگان نشان دهند. لازم به ذکر است که همدستان پژوهشگر خود را این‌گونه معرفی می‌نمودند: "من، سن،،،،، ترم..." یعنی بدون آوردن نام خود برای مثال نوشتند: "من، ۲۲ ساله، ترم هفتم روان‌شناسی". **موقعیت دوم** بلافاصله بعد از موقعیت اول صورت می‌گرفت، به این نحو که هشت نفر همدست پژوهشگر دست خود را در ظرف آرد زده و بعد پرسشنامه‌های خود را (بدون این که به پشت سرشان نگاه کنند) از دستیار پژوهشگر تحویل گرفته و برای تکمیل پرسشنامه‌ها در قسمت دیگری از محل کارگاه می‌رفتند. موقعیت میز و شرکت‌کنندگان در محل برگزاری به نحوی طراحی گردیده بود که تمامی شرکت‌کنندگان به عملکرد و رفتار دانشجویان ردیف جلو کاملاً مسلط بودند. به نظر می‌رسد دانشجویان سال آخر روان‌شناسی دارای اعتبار و جایگاه بالایی بین دانشجویان سال پایین (به ویژه دانشجویان ترم اول تا سوم) باشند.

پس از ورود دانشجویان (۳۹ نفر) ابتدا به مدت پانزده دقیقه در خصوص مهارت‌های زندگی و روابط بین فردی و ضرورت آن در زندگی صحبت شد. سپس جزوه هایی در خصوص مهارت‌های زندگی توسط دو نفر از دستیاران پژوهشگر بین شرکت کنندگان توزیع گردید و جهت مطالعه جزوه و آشنایی با موضوع به آن‌ها فرصت داده شد. این مراحل جهت بررسی اعتماد و درگیر شدن دانشجویان در موقعیت و واقعی نمودن شرایط آزمایش صورت گرفت. سپس عنوان شد برای آگاهی از سطح مهارت‌های زندگی شرکت کنندگان لازم است دو پرسشنامه دریافتی، تکمیل گردد. در ادامه از آن‌ها خواسته شد تا به ترتیب از ردیف جلو پرسشنامه‌ها را از دستیار پژوهشگر تحویل گرفته و جهت تکمیل آن در قسمت جلویی محل کارگاه قرار بگیرند. دستیار پژوهشگر که پشت میز قرار داشت رفتار شرکت کنندگان را در دو موقعیت معرفی خود و دست زدن به آرد با درج کدی مخصوص در برگه ثبت وضعیت همنوایی نوشتن و دست زدن به آرد مشخص می‌نمود و آزمودنی‌ها در قسمت جلویی کارگاه پرسشنامه‌ها را تکمیل می‌کردند. پس از اتمام پاسخگویی به آزمون‌ها، هدف و انگیزه کارگاه، همنوایی، عوامل موثر در آن (توجه به شرایط اجتماعی همنوایی که هر یک از ما در آن قرار می‌گیریم و گاهی بدون توجه به معنا و مفهوم شرایط با آن همنوایی می‌کنیم) و مهارت‌های ده‌گانه زندگی به‌ویژه توانایی مقابله با استرس، تفکر انتقادی و تصمیم‌گیری توضیح داده شد.

یافته‌ها

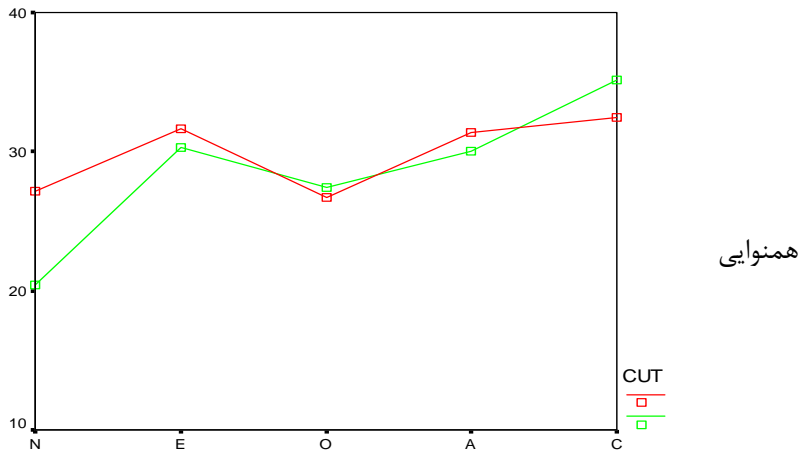
جدول ۱. تحلیل واریانس عاملی بین موردی نیمرخ شخصیتی با پرسشنامه همنوایی

معنی داری	F	میانگین مجزورات	درجه آزادی	مجموع مجزورات	منابع تغییرات
۰/۱۲	۲/۵۳	۱۱۸۵۸۸/۵۳	۱	۱۱۸۵۸۸/۵۳	بین گروهی
		۴۶/۴	۱	۴۶/۴	درون گروهی
		۱۸/۳۱	۳۷	۶۷۷/۳۸	خطا

نتایج جدول ۱ نشان می‌دهد نیمرخ شخصیتی افراد دو گروه همنو و ناهمنو تفاوت معنی‌داری ندارد.

همنوایی: همبسته‌های آن با پنج عامل بزرگ شخصیت...

میانگین‌های برآورد شده مقیاس‌های آزمون NEO



مقیاس‌های آزمون
NEO

نمودار ۱: مقایسه نیمرخ شخصیتی افراد هم‌نوا و ناهم‌نوا

جدول ۲: همبستگی بین میزان همنوایی با مقیاس‌های آزمون NEO

آزمون	میزان همنوایی	روان آزرده‌گری	برون‌گری	باز بودن	توافقی بودن	وجدان‌گری
میزان همنوایی	۱	۰/۲۸	۰/۱۵۸	-۰/۰۸	۰/۰۰۱	-۰/۱۵۴

با توجه به نتایج جدول ۲ همبستگی همنوایی با هر یک از مقیاس‌های شخصیتی آزمون NEO معنادار نیست.

جدول ۳: آزمون تفاوت میانگین میزان همنوایی با جنس و وضعیت تاهل

وضعیت	فراوانی	میانگین	انحراف معیار	t	درجه آزادی	معنی‌داری
میزان همنوایی	مرد	۱۱	۸۴/۸۱	۱/۸۱	۳۷	۰/۰۷۸
	زن	۲۸	۷۰/۹۳			
میزان همنوایی	مجرد	۲۸	۸۱/۴۶	۳/۳۵	۳۷	۰/۰۰۲
	متاهل	۱۱	۵۸			

یافته‌های جدول ۳ نشان می‌دهد که تفاوت جنس و میزان همنوایی معنادار نیست، اما تفاوت بین وضعیت تاهل و میزان همنوایی معنادار است.

جدول ۴. آزمون تفاوت میانگین میزان همنوایی با آزمون‌های نوشتن من و آرد

معنی داری	درجه آزادی	t	انحراف معیار	میانگین	فراوانی	وضعیت	
۰/۰۲۳	۳۷	۲/۳۶	۲۰/۹۴	۷۶/۱۳	۳۸	نوشت من	میزان همنوایی
			۰	۲۶	۱	ننوشت من	
۰/۰۲۴	۳۷	۲/۳۶	۲۱/۱۶	۷۷/۸۸	۳۴	دست زدن به آرد	
			۱۹/۰۴	۵۴/۲۰	۵	دست نزدن به آرد	

یافته‌های جدول ۴ در خصوص میزان همنوایی با موقعیت نوشتن من نشان می‌دهد که تفاوت بین میزان پرسشنامه همنوایی با نتیجه موقعیت نوشتن من معنادار است، همچنین بین دو موقعیت دست زدن و دست نزدن به آرد و میزان همنوایی با موفقیت تفاوت معنادار است.

جدول ۵. رابطه بین پرسشنامه همنوایی و دو موقعیت عملی نوشتن من و آرد

موقعیت آرد	موقعیت نوشتن من	آزمون
۰/۲۱	۰/۰۸۹	همنوایی
**۰/۴۲۳	۱	موقعیت نوشتن من

نتایج آزمون اسپیرمن نشان می‌دهد رابطه بین همنوایی با آزمون‌های نوشتن من و آرد؛ معنادار است.

بحث و نتیجه‌گیری

با توجه به یافته‌های به دست آمده با آزمون فرضیه اول و دوم مشخص شد بین نیمرخ و ویژگی‌های شخصیتی افراد همنو و ناهمنوا تفاوت معنادار نیست. به عبارت دیگر نیمرخ و ویژگی‌های شخصیتی افراد همنو و ناهمنوا، شباهت دارد. این یافته با نتایج پژوهش ترونو و نلسون^۱ (۲۰۰۴) همخوان نبوده اما با پژوهش لیتزکی و همکاران (۲۰۰۶) همخوانی دارد. به نظر می‌رسد که

1. Trevino & Nelson

همنوایی: همبسته‌های آن با پنج عامل بزرگ شخصیت...

همنوایی بیشتر تحت تاثیر عوامل اجتماعی قرار دارد تا ویژگی‌های شخصیتی و همان‌طور که در ادبیات ذکر شد با تبیین هنجاری همنوایی همخوان بوده و امکان وجود شخصیت همنوا و ناهمنوا ضعیف است. از طرفی بیشتر پژوهش‌هایی که بر ارتباط ویژگی‌های فردی و شخصیتی افراد همنوا و ناهمنوا تاکید داشته‌اند تنها بین خرده مقیاس‌های شخصیت (عدم تحمل ابهام، عزت نفس، اقتدار-طلبی، وفاداری، تعهد و غیره) با میزان همنوایی ارتباط به دست آورده‌اند نه پنج عامل بزرگ شخصیت.

در مورد میزان همنوایی و جنس تفاوت معنادار مشاهده نگردید. این یافته با پژوهش ایگلی و وود^۱ (۱۹۹۱) که رابطه الگوی همنوایی و جنس را پیچیده، در حال تغییر، همراه با سوگیری و نیاز به نوعی تفسیر دیگر می‌دانند همخوان است. طبق نظر گیلیگان (به نقل از رایس، ۲۰۰۱؛ ترجمه فروغان، ۱۳۸۷) زنان برخلاف مردان خود را از طریق رابطه‌شان با دیگران تعریف می‌کنند؛ اما امروزه زنان رشد اجتماعی متفاوت و اغلب پیچیده‌تری از مردان دارند. زنانی که فعالیت‌های غیر سنتی را دنبال می‌کنند معمولاً ویژگی‌های مردانه دارند که از آن جمله می‌توان به جهت‌گیری پیشرفت، تاکید بر فردگرایی و این انتظار که از طریق تلاش‌های خودشان زندگی مرفهی را برای خود تامین کنند اشاره نمود (سلیگمن به نقل از برک، ۲۰۰۷؛ ترجمه سیدمحمدی، ۱۳۸۷). طی سال‌های اخیر نیز کشور ما شاهد حضور روز افزون و گسترده زنان در عرصه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و آموزشی (حدود ۷۰ درصد متقاضیان ورود به دانشگاه‌ها را زنان تشکیل می‌دهند) بوده که خود نیازمند تغییرات رفتاری و روانی در زنان است که موجب شده تا از تصورات قالبی و نقش-های رفتاری خدمت به گروه خارج شوند.

بین میزان همنوایی و "آزمون نوشتن من" تفاوت معنادار بود. از آنجایی که میانگین میزان همنوایی (۷۶/۱۳) در افرادی که عبارت من را نوشتند بزرگتر از میانگین میزان همنوایی (۲۶) در افرادی که عبارت من را ننوشتند است، پس افرادی که عبارت من را نوشتند نمره همنوایی بیشتری داشته‌اند. همچنین میانگین میزان همنوایی افرادی که به آرد دست زده‌اند (۷۷/۸۸) بزرگتر از میانگین میزان همنوایی در افرادی که به آرد دست زده‌اند (۵۴/۲۰) بود. می‌توان گفت افرادی که به آرد دست زده‌اند، همنوایی بیشتری داشتند. همان‌طور که لطفی (۱۳۸۱) پیش‌بینی کرده بود افرادی که در پرسشنامه ل-۷۲ میزان همنوایی بالایی به دست می‌آورند، احتمال بیشتری دارد داشت که در موقعیت عملی نیز همنوایی نمایند.

نتایج آزمون اسپیرمن در خصوص رابطه بین همنوایی با آزمون‌های نوشتن من و آرد نشان می‌دهد که تنها بین آزمون نوشتن من و آزمون آرد رابطه معنادار است. از آنجا که نمره‌های

1. Eagly & Wood

پرسشنامه ل-۷۲ جهت استفاده از آزمون همبستگی اسپیرمن از فاصله‌ای به مقیاس طبقه‌ای تبدیل شده که میزانی خطا را نیز وارد نتایج می‌نماید و این که نقطه برش معیاری سخت‌گیرانه و حد بالا برای تمیز افراد هم‌نوا و ناهم‌نوا است، تعداد افراد با میزان متوسط هم‌نوايي که زیر خط برش قرار دارند نیز ناهم‌نوا تشخیص داده شده‌اند. لذا می‌توان گفت نمره‌های پایین و متوسط (نمره‌های زیر خط برش) با هم‌نوايي در دو موقعیت عملی نوشتن و آرد رابطه ندارد.

بین میزان هم‌نوايي و وضعیت تاهل تفاوت معنادار بود. به عبارت دیگر چون میانگین میزان هم‌نوايي (۸۱/۴۶) در افراد مجرد بزرگتر از میانگین میزان هم‌نوايي (۵۸) در افراد متأهل است، پس افراد مجرد هم‌نوايي بیشتری داشتند. با توجه به احتمال بالاتر بودن سن افراد متأهل نسبت به افراد مجرد و از سوی دیگر تعهد افراد متأهل به کانونی تحت عنوان خانواده می‌توان نتیجه گرفت که میزان هم‌نوايي آنان از گروه‌های دیگری که عضو آن هستند، کمتر است.

به‌طور کلی یافته‌های این پژوهش حاکی از آن بود که تبیین هنجاری هم‌نوايي قوی‌تر از تبیین علی بوده است. به عبارتی غنای تجربه‌های گوناگون در جریان رشد انسان بر متبلور شدن ویژگی‌های ابعاد چهارگانه (زیستی، روانی، اجتماعی و معنوی)، انسان تاثیر شگرف دارد. چنین به‌نظر می‌رسد در صورتی که افراد از سنین ابتدایی در معرض تجربه‌های مکفی آموزشی قرار گیرند، علاوه بر حفظ و ارتقاء عزت‌نفس، تاب‌آوری و توان بیشتری برای مقاومت در برابر فشارهای ادراک‌شده^۱ اجتماعی خواهند داشت. طبق پژوهش‌ها نیز احساس شایستگی، ارزشمندی و سبک فرزندپروری مقتدرانه با مقاومت در برابر فشار اجتماعی ارتباط دارد (برک، ۱۳۸۷). از این‌رو پیشنهاد می‌شود در سامانه‌های آموزشی خانوادگی و اجتماعی توجه و تاکید بیشتری بر درگیری مستقیم افراد در فعالیت‌های گوناگون آموزشی با محوریت تفکر نقادانه شود.

همچنین الگوی هم‌نوايي - جنس نسبت به دهه‌های گذشته در حال دگرگونی و تغییر است که با توجه به نقش عوامل اجتماعی به دست آمده در هم‌نوايي و تغییرات سریع شرایط و ارزش‌ها که به اعضای جامعه القاء می‌شود در آینده شاهد الگویی معکوس با یافته‌های پیشین خواهیم بود.

با توجه به مطالب مذکور، میزان هم‌نوايي متغیر مهم و اساسی در تعیین رفتارهای هنجار و نابهنجار فردی و اجتماعی است ولی تمایل بیشتر پژوهشگران به روش‌های جمع‌آوری اطلاعات سهل‌الوصول (آزمون‌های مداد- کاغذی) موجب فقر ادبیات پژوهشی در این حوزه گردیده است. لذا به پژوهشگران پیشنهاد می‌شود با طراحی آزمون‌های عملی خلاقانه دیگری، به سنجش هم‌نوايي و ارتباط آن با سایر متغیرها (سبک فرزندپروری، تفکر انتقادی، سبک هویت و جز آن) بپردازند.

1. Perceived pressure

منابع

- آذرمینا، پژمان و صفری نژاد، پیمان (۱۳۸۵). *تاثیر همنوایی در اندازه‌گیری فشار خون*. فصل‌نامه نوآوری-های آموزشی، ۵، صص ۱۱۵-۱۴۹.
- ارونسون، الیوت (۱۳۸۵). *روان‌شناسی اجتماعی*. ترجمه حسین شکرکن. تهران: انتشارات رشد.
- بارون، آر. بی و برن، دی (زیر چاپ). *روان‌شناسی اجتماعی، درک تعاملات انسانی*. ترجمه یوسف کریمی. (تاریخ انتشار اثر به زبان اصلی ۲۰۰۶).
- برک، لورا. ای (۱۳۸۷). *روان‌شناسی رشد، از نوجوانی تا پایان زندگی*. ترجمه یحیی سید محمدی. تهران: انتشارات رشد.
- پورافکاری، نصرت ا... (۱۳۸۵). *فرهنگ جامع روان‌شناسی-روان پزشکی و زمینه‌های وابسته*. تهران: انتشارات فرهنگ معاصر.
- حق‌شناس، حسن (۱۳۸۵). *طرح پنج عاملی ویژگی‌های شخصیت*. شیراز: انتشارات دانشگاه شیراز.
- رایس، فیلیپ. ف (۱۳۸۷). *رشد انسان، روان‌شناسی رشد از تولد تا مرگ*. ترجمه مهشید فروغان. تهران: انتشارات ارجمند.
- کریمی، یوسف (۱۳۸۷). *روان‌شناسی اجتماعی*. تهران: نشر ارسباران.
- کلاین برگ، اتو (۱۳۸۶). *روان‌شناسی اجتماعی*. ترجمه علی محمد کاردان. تهران: ناشر شرکت سهامی نشر اندیشه.
- لطفی، حمید (۱۳۸۱). *روان‌شناسی اجتماعی، نظریه‌ها و کاربردها*. تهران: انتشارات مولف.
- کوزر، لوئیس و وونبرگ، برنادر (۱۳۸۷). *نظریه‌های بنیادی جامعه‌شناسی*. مترجم فرهنگ و ارشاد. تهران: نشر نی.
- Barry, H. Child., & Bacon, M. (1959). Relationship of child training to subsistence economy. *American Anthropologist*, 61, 51-63.
- Duckitt, J., Wagner, C., Duplesis, I., I., & Birum, I. (2002). The psychological bases of ideology and prejudice: Testing a dual process model. *Journal of Personality and Social psychology*, 83, 75-93.
- Eagly, A. H., & Wood, W. (1991). Explaining sex differences in social behavior. A meta-analytic perspective. *Personality and social psychology Bulletin*, 17, 306-315.
- Evans, H. M. (1981). Internal-External locus of control and word association: research with Japanese and American Students. *Journal of cross-cultural psychology*, 12, 372-382.
- Huffman, K. (2007). *Psychology in Action* (8th edition). John Wiley and sons, Inc.
- Kurosawa, K. (2000). The effects of self-consciousness and self-esteem on conformity to a majority available at: <http://www.ncbi.nlm.nih.gov/pubmed>.
- Larsen, R. J., & Buss, D. M. (2008). *Personality Psychology: Domains of knowledge about human nature* (3rd edition). McGraw-Hill International Publishing Inc.

- Litzky, B. E., Eddleston, K., & Kidder, D. L. (2006). The good, the bad, and the misguided: How managers inadvertently encourage deviant behaviors. *Academy of management perspectives*, 20, 91-103
- Moghaddam, F. M. (1998). *Social Psychology: Exploring universals across cultures*. New York: W. H. Freeman and Company.
- Noel, C. Z. J., & Carey, J. A. (2008). Personality traits and academic attributes as determinants of academic dishonesty in accounting and non-accounting college majors. *Proceeding of ASSBBS*. 15, 267-278
- Oshimi, T. (1999). Self-consciousness and conformity: Moderating effects of conformity motives task interest. Available at:
<http://www.ncbi.nlm.nih.gov/pubmed>.
- Schneider, F. W., Gruman, J. A., & Coutts, L. M. (2005). *Applied social psychology: Understanding and addressing social and practical problems*. SAGE.
- Taylor, S. E., Peplau, L. A., & Sears, D. O. (2000). *Social psychology* (10th edition). New Jersey: Prentice Hall.
- Weisz, J. R., Rothbaum, F. M., & Blackburn, T. C. (1984). Standing out and standing in: The psychology of control in America and Japan. *American psychologist*, 39, 955-969.
- Wilder, D. A. (1977). Perception of groups, size of opposition and social influence. *Journal of Experimental Social Psychology*, 13, 253-263.